

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۶۹

۲۶ فروردین ۱۴۰۱ / ۱۵ آوریل ۲۰۲۲

حقوق ما

مادران زندانی و کودکان آنها



در این شماره می‌خوانید:

کودکان زنانِ محبوس و باز تولید مجرمان تازه

آسیبهایی که زندان بر نوزادان و کودکان وارد می‌آورد

زندان مادران؛ زندان کودکان

مادرانی که مجبورند کودکانشان را با خود به زندان ببرند

کودکانی که به تاوان مجرم بودن مادر در زندان هستند

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیره انصاری (مقاله حقوقی)، علی فریدی (مصاحبه‌ها)

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

کودکانِ زنانِ محبوس و باز تولید

مجرمان تازه



نیره انصاری

فرزندان به علت ارتکاب جرم و غیبت طولانی مدت از محیط خانواده و اقامت در زندان موجب می‌گردد تا فرزندان احساس خودمختاری و آزادی بیشتری نموده و اوقات فراغت خود را در بیرون از خانه یا «گروه‌های هم‌سال بزهکار سپری نموده و با هنجارهای گروه بزهکار سازگار می‌شوند.

در جوامعی (مانند ایران) که مساعدت و کمک‌های مالی نهادها و سازمان‌های حمایتی به زنان آزاد شده از زندان ناچیز بوده و نمی‌تواند نیازهای مادی آنها را تأمین نماید، مشکلات رفاهی موجب می‌گردد تا آنها مرتکب جرائم و آسیب‌های اجتماعی نظیر سرقت و موادمخدر گردند.

افزایش زندانیان زن در زندان‌های موقت و زندان‌های دائم مشکلات فراوانی را به وجود آورده است. از جمله این مشکلات، مربوط به آن دسته و گروه از زندانیان است که کودکانِ نوزاد داشته و یا باردار هستند و ناگزیرند تا نوزادان خود را تا مدتی در زندان و تحت مراقبت خودشان نگه دارند و در این خصوص کودکانِ زنانِ محبوس نیز به همراه مادرانشان قربانی جرائم و شرایط اجتماعی هستند. چنین فرزندانی از یک زندگی با ثبات خانوادگی محروم بوده و ممکن است در آینده از الگوهای رفتاریِ مادرانشان تبعیت نمایند.

نحوه رفتار با زنان زندانی به عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در سراسر جهان مورد توجه نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف بوده و در این مسیر در مجموعه قوانین داخلی خود موادی را به این قشر از زندانیان اختصاص داده‌اند.

در بُعد بین‌المللی هم نزدیک بر ۵۰ سال پیش، سندی تحت عنوان «قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان» در سازمان ملل به تصویب رسید که در مورد همه زندانیان به‌طور یکسان اجرا و اعمال می‌شود. این سند از حیث گستره شمول آن در زمره اسناد بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شود و با توجه به این‌که حقوق افراد خاصی تحت عنوان زندانیان را مورد حمایت قرار می‌دهد در دسته اسناد خاص بین‌المللی نیز قرار می‌گیرد؛ اما به حیث ماهیت، سند یاد شده دارای جنبه اعلامیه‌ای [توصیه‌ای] است و از این جهت بر دولت‌های عضو الزام‌آور نیست، بلکه، صرفاً دارای ارزش اخلاقی و سیاسی است. البته محتوای اعلامیه یاد شده در بسیاری از اسناد حقوق بشری الزام‌آور گنجانده شده و به این جهت رعایت مفاد آن بر دولت‌های عضو آنها الزام‌آور است.

حداقل استاندارد رفتار با زنان زندانی

یادآوری این نکته ضروری است که توجه لازم به نیازهای خاص زنان زندانی در سندی که تحت عنوان «قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان» در سازمان ملل به تصویب رسیده، نشده است. نبود توجه لازم به نیازهای خاص زنان زندانی در این سند، افزایش جمعیت زنان زندانی در سراسر جهان و تغییر در نوع جرایم ارتكابی آنان، ضرورت توجه بیشتر جامعه جهانی به این قشر از زندانیان را آشکار کرد که در نهایت با ابتکار کشور تایلند، پیش‌نویس سند بین‌المللی ویژه در مورد رفتار با زنان زندانی تهیه و تنظیم شده است.

این سند تحت عنوان «قواعد سازمان ملل در خصوص رفتار با زنان زندانی و تدابیر غیر سالب آزادی برای بزهکاران زنان» (معروف به قواعد بانکوک)، در سال ۲۰۱۱ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید که به عنوان مکمل اسناد قبلی مرتبط با موضوع، از جمله قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان همچنین قواعد توکیو در کلیه کشورهای عضو سازمان ملل قابل اجراست.

این سند حاوی چهار فصل و ۷۰ ماده است که در هر فصل به موضوعات مهمی درباره حقوق و تکالیف زنان زندانی که در انتظار محاکمه هستند (مظنونان و متهمان زن) نیز زنان زندانی که مجازات حبس خود را سپری می‌کنند (محکومان زن) به طور مجزا پرداخته است.

یکی از نکات قابل توجه در سند بین‌المللی مصوب ۲۰۱۱، توجه به گروه‌های ویژه زنان زندانی است. بدین معنا که در عین

تمرکز کل سند بر زنان زندانی؛ اما در موادی به بحث زنان آسیب‌پذیرتر نیز پرداخته است. برای نمونه در خصوص زنان جوان زندانی، زنان دارای فرزند، زنان باردار، زنان شیرده و غیره حاوی مقرراتی خاص است.

به موجب این سند، زنان شیرده یا باردار و زنانی که همراه با نوزاد خود در زندان به‌سر می‌برند؛ از حمایت‌های ویژه‌ای برخوردار هستند. از جمله اینکه از حبس انفرادی این زنان باید خودداری شود و ممنوعیت ارتباط با خانواده خصوصاً با کودکان نباید به عنوان تنبیه مدنظر قرار گیرد و رژیم غذایی مناسب که مورد نظارت و ارزیابی ماموران بهداشت بوده، لازم است.

افزون بر آن ضروری است که کودکان همراه مادران زندانی نیز از مراقبت‌های بهداشتی برخوردار باشند. همچنین یکی دیگر از حقوق اساسی زنان زندانی، حفظ ارتباط با محیط بیرون از زندان است بنابراین باید زمینه اجرای آن را با فراهم کردن تدابیر و وسایل معقول فراهم کرد. همچنین در جایی که اجازه ملاقات‌های زنashویی به مردان داده می‌شود؛ زنان زندانی هم باید مانند مردان از این حق بهره‌مند باشند.

از این بیش ضروری است که رشد کودک و فراهم کردن شرایطی برای رشد و نمو کودک مورد توجه قرار گیرد و تا حد امکان محیطی که کودک در آن رشد می‌کند باید مشابه همان محیطی باشد که کودک در بیرون از زندان از آن برخوردار است. از جمله موارد مهم دیگر که در سند بین‌المللی رفتار با زنان زندانی اشاره شده است؛ فراهم کردن برنامه‌های آموزشی لازم برای پرسنل و کارکنان سازمان شامل مواردی مانند آرایه کمک‌های اولیه درمانی و پزشکی، آشنایی با بیماری‌های مختلف زنان و ویروس HIV، کشف و شناسایی خطر خودزنی و خودکشی در میان زنان زندانی است.

افزون بر سند یاد شده، اعلامیه حقوق کودک ژنو مصوب ۱۳۰۳/۱۹۲۴، بیان شده در ۱۳۳۸/۱۹۵۹، در اعلامیه حقوق کودک مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. فراتر از این ماده ۲۳ و ۲۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ پیمان بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیز در اسناد و احکام سازمانهای تخصصی و بین‌المللی در خصوص رفاه کودکان به رسمیت شناخته شده است و تأکید بر اینکه کودک به دلیل نداشتن رشد کامل فیزیکی و ذهنی نیازمند مراقبت‌ها و محافظت‌هایی از جمله حمایت‌های مناسب حقوقی، پیش و پس از تولد است.

آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که



حاوی مقرراتی درباره حقوق و وظایف زندانیان، اعم از زن و مرد است نیز در سال ۱۳۸۰ تصویب شد سپس در چند نوبت مورد بازنگری قرار گرفت و نسخه کنونی آن در تاریخ ۱۳۸۹، ۲۱، ۲ به تصویب ریاست قوه قضاییه رسیده است

در بررسی بازه زمانی مجاز به پذیرش زنان زندانی به همراه فرزندان خود در زندان، همچنین نگهداری کودکان بعد از سن مجاز باید گفت که به موجب آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، محکومان و متهمان زن می‌توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. تفکیک و جداسازی کودکان ۲ تا ۶ سال در محل مجزا (مهد کودک) یا انتقال این اطفال به بهزیستی یا موسسات نگهداری اطفال صورت می‌گیرد. برای سایر کودکان از جمله آنهایی که پدرشان زندانی است، حداقل حمایت هم پیش‌بینی نشده است!

کارشناسان قضایی در بررسی امکان مرخصی برای زنان زندانی و مدت آن در نظام حقوقی ایران می‌گویند: «در نظام حقوقی ایران اگرچه مرخصی به عنوان یک حق برای زندانی به رسمیت شناخته نشده است با وجود این، در صورت احراز شرایط قانونی و کسب امتیازات لازم مقرر در آیین‌نامه سازمان زندانها امکان مرخصی برای زندانی زن وجود دارد و مدت مرخصی به عنوان مدت محکومیت محسوب می‌شود.» به موجب ماده ۱۸۲ آیین‌نامه، زوج، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزندان محکوم یا متهم، همچنین پدر و مادر همسر وی حق دارند بر اساس شرایط ملاقات‌های هفتگی با محکوم ملاقات کنند و در صورت حسن رفتار و کردار محکوم، امکان ملاقات حضوری زندانی با خانواده همچنین ملاقات خصوصی بدون حضور مأمور نیز پیش‌بینی شده است. البته محکومان زن با جرم سیاسی شامل این ماده نمی‌شوند!

فرایند زندان‌پذیر شدن یا جامعه‌پذیری زنان در زندان یکی از موضوعات مورد بحث در رابطه با زندان زنان است.

زنان در زندان با فشارهای عصبی و مشکلات اجتماعی، نظیر سلب آزادی، ممنوعیت ارتباط با خانواده و دوستان پیشین و تحمل روش‌های انضباطی سخت مواجه هستند که ناگزیرند تا از طریق جامعه‌پذیری شدن، با هنجارهای حاکم در زندان یک دنیای جدید و قابل تحمل برای خودشان بسازند.

فرایند زندان‌پذیر شدن با جامعه‌پذیری در زندان به شکل گیری «خرده فرهنگی زندانیان» منتهی می‌شود که این خرده فرهنگ با هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه در تعارض است. خرده فرهنگ زندانیان نه تنها از تجربه‌های درون زندان، بلکه از الگوهای رفتاری محیط بیرون از زندان که

زندانیان با خودشان به زندان می‌آورند شکل می‌گیرد. خرده فرهنگ زندانیان ترکیبی از چندین گونه خرده فرهنگ‌هایی است که در خارج از زندان وجود داشته و به وسیله افراد وارد زندان شده است. یکی از موارد زمانی است که کودکی در زندان متولد می‌شود یا در زندان با زندانیان بزرگ و تربیت و رشد می‌کند، هیچ فضایی را تجربه نمی‌کند جز حیات و دیوار زندان. بسیاری از این کودکان در صورت داشتن والدینی با آگاهی کم یا کم‌سواد، بعدها در سنین نوجوانی و جوانی با عناوین بزهکار، متخلف و مجرم وارد ندامتگاه و یا همان زندان‌ها شده‌اند و به این ترتیب جای مادران خود را پُر کرده و پدیده زندانی بازتولید می‌شود، ولی دلایل این امر چیست؟ برای نمونه؛

هنگامی که زنی به علت سرقت وارد زندان می‌شود، همراه با کودک دوساله‌اش، با زنان متعددی با جرایمی همچون قتل،

آسیب‌زا می‌داند اما بر ضرورت توجه دادگاه به فرزندان زندانیان در زمان صدور حکم، هیچ تأکیدی نمی‌کند؛ با اینکه حکم محکومیت، تبعات مستقیم و خطرات روشنی برای این کودکان دارد.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تنها در بند سه ماده شش، حمایت بسیار ضعیفی در نظر گرفته است: «اطفال و نوجوانانی را که پدر یا مادر یا سرپرست قانونی آنان در زندان به سر می‌برند، به سازمان بهزیستی کشور معرفی کرده تا برابر مقررات، طفل یا نوجوان نیازمند را حمایت کند».

معرفی به بهزیستی ممکن است مانع آوارگی و بی‌سرپناه شدن کودکانی شود که هیچ حمایتی از بستگان‌شان ندارند، اما سایر حمایت‌ها مانند جایگزین مناسب و ارتباط با خود والدین در نظر گرفته نشده است. نگهداری کودکان در خوابگاه‌های

زنا و انواع انحرافات هم‌سلول می‌شود. کودک دو ساله در اوج سن یادگیری، صحنه‌هایی از خشونت و ناهنجاری را تجربه می‌کند. از جمله آموزش «خرده فرهنگ زندانیان» با توجه به وجود این امر به ویژه با حضور کودکان در زندان، حتی اگر سازمان رسمی زندان برنامه‌های تربیتی، آموزشی اصلاحی و بازپروری داشته باشد، این برنامه‌ها با خرده فرهنگ زندانیان در تضاد قرار می‌گرفته و چنانچه فرایند زندان‌پذیر شدن موفق شود، برنامه‌های بازپروری و اصلاحی زندان با شکست روبرو خواهد شد.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان چه می‌گوید؟

قانون تازه حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ شرایط خطر را پیش‌بینی کرده و زندانی شدن والد را برای کودک

بهزیستی که اغلب شرایط مطلوبی هم فراهم نمی‌کنند و به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته می‌شوند، که برای حمایت از این کودکان اساساً کافی نیست.

با توجه به اینکه قانون شرایط خطر را برای کودکان مشخص کرده است، انتظار می‌رود وکلا در دفاعیات خود و دادسراها و دادگاه‌ها در تصمیم‌هایشان، از مددکاران اجتماعی درباره شرایط کودکان استعلام و در حد امکان از زندانی شدن والدین ممانعت کنند.

تعریف «موقعیت مخاطره آمیز» در قانون، برای کودکان حقی ایجاد کرده که مرتبط با پرهیز از زندان کردن والدین است. جز در موارد بسیار ضروری همچون جنایات خطرناک که چاره دیگری وجود ندارد، منصفانه به نظر می‌رسد که والدین یا نان‌آور، سرپرست و حامی کودکان زندانی نشوند.

اگرچه این قانون تنها راه کاهش آسیب، را در زندانی نشدن والدین می‌داند. فرض قانون این است که همه کودکان در این موقعیت در معرض خطر هستند. اما رفتار دوگانه قوه قضائیه با فلسفه قانون‌گذار مغایرت دارد.

در ماده سه قانون تازه حمایت از کودکان و نوجوانان، یکی از مصادیق وضعیت مخاطره آمیز، زندانی شدن هر یک از والدین، اولیا و سرپرستان قانونی کودک است: «موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی قرار دهد، وضعیت مخاطره آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود.» این قانون برای نخستین بار وجه تازه‌ای به ادبیات و ساختار حقوقی ایران در حوزه حقوق کودک افزوده است، از جمله درباره کودکانی که والدین‌شان زندانی می‌شوند!

از همین رو اگر به زندان‌ها و جمعیت بالای آنها در سراسر ایران نگاه بیفکنیم، خانواده‌ها و کودکان زیادی را مشاهده می‌کنیم که در فرایند دادرسی و محاکمه حضور ندارند اما به اشد مجازات محکوم می‌شوند، محرومیت از سرپرست، محرومیت از آغوش مادر یا پدر، محکومیت به زود بزرگ شدن و کار کردن و احکام سنگین نانوشته و ناعادلانه دیگر را تجربه می‌کنند.

اما باید پرسید آیا دادگاه‌ها، همان جایی که والدین را روانه زندان می‌کنند، کودکان‌شان را در نظر می‌گیرند؟

در سابقه طولانی رویه غالب در مراجع قضایی، اثری روشن و قابل اعتناء از توجه و حمایت از کودکان در زمان صدور رای

محکومیت برای والدین دیده نمی‌شود. قوانین ماهوی مانند قانون مجازات اسلامی، «پدر و مادر بودن» را دلیل تخفیف یا تعدیل مجازات مانند توسل به مجازات‌های جایگزین نمی‌داند. این قانون در این خصوص موضعی ندارد، قضات دادگاه‌های انقلاب در اغلب پرونده‌ها، برای جرم «تبلیغ علیه نظام -موضوع ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی»- اشد مجازات یعنی یک سال زندان را در نظر می‌گیرند و بندرت کمتر از این، اصدار حکم نموده‌اند در حالی که این جرم از جرایم مهم قلمداد نمی‌شود.

در صدور احکام زندان طولانی مدت برای والدین، کودکان و حقوقشان از جمله جلوگیری از بی‌سرپرست شدن‌شان به چشم قضات دادگاه‌های انقلاب نمی‌آیند! حتی هنگامی که هم پدر هم مادر در یک پرونده یا جداگانه زندانی می‌شوند، اثری از توجه به وضعیت مخاطره آمیز کودک در تصمیم قضایی یا در اعمال عفو مشروط نیست. و این در حالی است که دادگاه می‌تواند با استناد به قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان، شرایط فرزند/ فرزندان را مد نظر قرار دهند و برای جلوگیری از قرار گرفتن کودک در موقعیت مخاطره آمیز، حکم به جزای نقدی یا حبس تعلیقی دهد.

مقررات زندان چه می‌گوید؟

مقررات زندان‌ها تنها زمانی به کودک توجه می‌کند که مادری با فرزند خردسالش به زندان آمده باشد. کمیسیون‌های عفو نیز صرفاً زنان زندانی دارای کودک فاقد سرپرست را با شرایطی مشمول عفو می‌دانند.

در سال‌های اخیر در عفوهای دسته جمعی که به مناسبت‌های مختلف صادر می‌شوند، سرپرست خانوار بودن مادر و داشتن فرزند زیر ۱۸ سال برای بخشیدن باقیمانده حبس در نظر گرفته می‌شوند. در این موارد، سازمان زندان‌ها و کمیسیون‌های عفو برای رعایت مصلحت کودکان و جلوگیری از بی‌سرپرست شدن آنها تصمیماتی اتخاذ کرده‌اند، گرچه عفو محکومان همیشه استثنا دارد و شامل همه زندانیان به ویژه محکومان جرایم سیاسی و عقیدتی نمی‌گردد؛ برای نمونه در دستور عفو نوروزی ۱۳۹۹، به همین موضوع در بند چهار آن توجه شده اما استثنائاتی هم قائل شده است.

با وجود اینکه سازمان بهزیستی گفته است: «کودکانی که مادران مجرم دارند، از این پس در زندان نگهداری نمی‌شوند»، اما هنوز جزئیات این تصمیم و هماهنگی بین سازمان بهزیستی

کودک ساخته شده است. ۷۵ درصد همه زندانیان زن در آمریکا مادر هستند و بسیاریان کودک مادران‌شان در زندان بسر می‌برند و هزاران کودک در طول دوره حبس مادر، در زندان متولد می‌شوند. نتایج یک پژوهش در انگلستان نشان می‌دهد که در انگلیس از هر شش کودک، پنج نفر پدرشان و یک نفر مادرشان در زندان بوده است. ۹۵ درصد کودکان در این مطالعه با پدر یا مادر زندانی خود در تماس بودند و تقریباً نیمی از آنان اظهار داشته‌اند که بودن یکی از والدین‌شان در زندان تاثیر بدی روی آن‌ها گذاشته است. همچنین ارقام کودکان دولت اسکاتلند هم به زندان‌ها اجازه داده که کودک را تا یک‌سالگی نگهدارند و پس از آن به مراکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست منتقل کنند. در ایران نیز از سال ۷۹ بر اساس تفاهم‌نامه‌ای بین سازمان بهزیستی و زندان‌ها کودکان زندان پس از دو سالگی به شبانه‌روزی‌های بهزیستی یا اقوام سپرده می‌شوند، اما اکنون اطلاعاتی از روند اجرای این تفاهم نامه در دست نیست.

بر پایه گزارش دفتر حمایت از زنان و کودکان دادگستری سیستان و بلوچستان با داشتن ۲۶۱ زندانی، ۹۰ درصد از زنان بند نسوان که خواسته یا ناخواسته مرتکب جرم شده‌اند خود سرپرست هستند. فرزندان ۸۰ درصد از این زنان فاقد متولی هستند و به حال خود در جامعه رها شده‌اند. حال آن که ۱۷۵ انجمن حمایت زندانیان در سطح کشور متولی این اقدامات حمایتی هستند که به علت کمبود شدید اعتبارات نمی‌توانند پاسخگوی این تعداد خانوار باشند.

بازاجتماعی شدن زنان زندانی

از آنجا که هدف مهم مجازات، اصلاح بزهکار و بازگشت وی به آغوش جامعه و باز اجتماعی شدن زنان زندانی به ویژه زنان با جرایمی غیر از جرم سیاسی است، همواره باید به موضوع بازپذیری اجتماعی زنان زندانی نیز توجه داشت و با تدوین برنامه‌های منسجم و نظارت بر حسن اجرای آن اقدام کرد. اتخاذ تدابیر زندان‌زدایی، اعمال مجازات‌های جایگزین به منظور ادغام تدابیر غیر سالب آزادی با سایر مداخلات و توجه به مرحله قبل از دادگاه، توجه به سابقه بزه‌دیدگی زنان زندانی و ارابه مشاوره‌های درمانی و روان‌شناسی از جمله مواردی است که در سیاست‌های کلی حاکم بر نظام زندان به آن توجهی شود.

به موجب ماده ۳۹ آیین‌نامه، مسئولان واحد بازپروری مکلف‌اند تا کلیه برنامه‌ها و اقدامات خود را به سمت بازپروری

و مسئولان سازمان زندان‌ها روشن نیست. به موجب آئین‌نامه سازمان زندان‌ها کودکان می‌توانند تا سن سه سالگی با مادران‌شان در زندان بمانند، اما بر اساس گزارش انجمن دفاع از حقوق زندانیان گاهی این وضع تا شش سالگی هم طول می‌کشد و طی این سال‌ها «کودکان زندان» با حداقل امکانات از کمترین حقوق خود محروم می‌شوند. زنان زندان‌گاه برای این که طرف دعوا در یک سلول را بیشتر عذاب دهند، کودک او را کتک می‌زنند و در نهایت این کودکان هستند که قربانی درگیری‌های زندانیان می‌شدند. اغلب زندان‌های ایران هنوز نیز فاقد شیرخوارگاه و مهدکودک برای این بچه‌ها است. بر اساس این گزارش در حال حاضر تعداد زندانیان پنج برابر گنجایش زندان‌های کشور است و این موجب افت چشمگیر خدمات به زندانیان و به دنبال آن کودکان همراه با زنان دربند شده است.

آمارها

بر اساس پژوهش‌های طی هشت سال گذشته تعداد جمعیت زنان زندانی از چهار درصد کل جمعیت زندانیان به هشت درصد افزایش یافته و این در حالی است که ۶۰ درصد این زنان ۱۹ تا ۲۹ ساله و بسیاری از آن‌ها مادر هستند. همچنین روی بدن بسیاری از کودکان زندان آثار اذیت و آزار دیده شده که این نشانگر نبود امنیت کافی در بند نسوان برای کودکان است. درست است که آمار دقیقی از تعداد زندانیان مادر و فرزندان همراه آنان در زندان موجود نیست و سازمان زندان‌ها نیز اعلام تعداد کودکان سازمان زندان‌ها را وظیفه خود نمی‌داند. بر اساس گزارش دیگری در حال حاضر ۴۵۰ کودک همراه با مادران خود در زندان‌ها به سر می‌برند و هزار و پانصد کودک زیر ۱۵ سال به دلیل زندانی بودن مادران‌شان در مراکز شبانه‌روزی بهزیستی زندگی می‌کنند. آمار سازمان بهزیستی از میزان انتقال کودکانی که به دلیل عدم صلاحیت یا زندانی شدن مادر و پدر به مراکز این سازمان منتقل می‌شوند، نشان از افزایش تعداد این دست از کودکان دارد. از سال ۸۳ تاکنون تعداد کودکانی که به این طریق به مراکز بهزیستی رفته‌اند از دو هزار و سیصد تن به بیش از سه هزار کودک افزایش یافته است.

در کشورهای دیگر نظیر چین زنان باردار یا مادران تا یک سالگی کودک به زندان فرستاده نمی‌شوند. در برخی از ایالات آمریکا نوزادان مادران زندانی ظرف ۲۴ تا ۷۲ ساعت از فضای زندان دور می‌شوند و در ایالت‌های دیگر در این مراکز مهد

و بازسازگاری اجتماعی محکومان با هدف کاهش تکرار جرم و افزایش میزان خروجی محکومان سوق دهند که در این راستا باید به شرایط اقلیمی فرهنگی و بومی و ویژگی‌های مردم‌شناسانه محکومان نیز باید توجه شود.

و البته به منظور دستیابی به این هدف، تربیت و تأمین نیروی «انسانی شایسته و متخصص و نه مکتبی» که بتواند موقعیت زنان و به ویژه کودکان همراه با آنان در زندان را درک نماید، به منظور استقرار در بخش‌های مختلف زندان زنان، تشکیل مؤسسات آموزشی، کارکنان امنیتی با هدف تربیت کارکنان امنیتی با تخصص‌های گوناگون برای زندان زنان، آماده سازی پذیرش اجتماعی و رفع مشکلات اقتصادی زنان زندانی در مراحل پایانی گذراندن دوره‌ی محکومیت و ایجاد خانه‌های بین‌راهی برای زنان زندانی و به منظور برنامه‌ریزی در جهت مراقبت پس از زندان و اطمینان از حل مسائل و مشکلات آنها و بعضاً تأمین جانی آنها می‌بایستی در برنامه‌های بازپروری و اصلاحی زندان‌های زنان قرار گیرد.

به باور فوکو، زندان می‌باید به عنوان یک دستگاه انضباطی جامعه مسئولیت تربیت جسمی و اخلاقی افراد، قابلیت کاری آنها، رفتار روزمره و رشد استعداد هایشان را بر عهده گیرد.

راهکارها

یکی از روش‌هایی که به منظور بازپروری و اصلاح زندانیان زن می‌توان در نظر گرفت:

- بازپروری با روش جایگزین زندان با هدف تغییر جهت دادن اصلاحی آنها از زندان به سوی برنامه‌هایی که بسیار مفیدتر از زندانی شدن است. برخی از این روش‌های جایگزین عبارتند از: ارائه ی خدمات به جامعه: در این روش تنبیه مجرم، تبدیل به کار برای جامعه می‌شود و مجرمین وادار به کار گردیده و از این طریق به توان بخشی و بازپروری مجرمین کمک می‌شود. آزادی به قید ضمانت: در این روش مجرمین به جای حبس در زندان دوران محکومیت‌شان را تحت نظارت یک سرپرست و یا تحت یک شرایط رفتارسنجی در جامعه سپری می‌کنند. برنامه‌ها به گونه‌ای طراحی شده که مجرمین در یک فضای اجتماعی که بر روی یک نوع «خودانضباطی» تأکید دارد مورد بازپروری قرار می‌گیرند.

- مراکز گزارش روزانه: مجرمینی که تحت این برنامه قرار می‌گیرند، پس از مدتی می‌بایستی به مراکزی که برایشان تعیین شده است، گزارش داده و با اختیار در هر «جا» زندگی

کنند.

بازداشت خانگی: بازداشت با نظارت الکترونیکی انجام می‌شود و مجرمین می‌بایست از قوانین خاص، نظیر محدودیت ترک خانه تبعیت نمایند. با این روش زنان مجرم با پدر و مادر، همسر و فرزندان‌شان در ارتباط بیشتری بوده و از یکی از آسیب‌های وارده بر کودکان‌شان همچون آموزش مخرب «خرده فرهنگ زندانیان» و بازتولید مجرمان تازه در جامعه پیشگیری خواهد شد.

منابع:

- سند «قواعد سازمان ملل در خصوص رفتار با زنان زندانی؛ معروف به قواعد بانکوک» مصوب ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل
احمدی، حبیب (۱۳۷۷) نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز، انتشارات رز-

- احمدی، حبیب (۱۳۷۹)، رهیافت روان شناسی، اجتماعی در خصوص تفاوت‌های جنسی در رفتار انحرافی

-مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۳۴، ۲۳ ص ۸۹-۹۸
فوکو. میشل، ۱۳۷۸، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده، تهران، نشرنی.

- Adler/ F/1975/sister in crime/New York: Inegraw _ hill.
Smart/ c(1976)/ Women/ Crime and criminology/ London-

خبرگزاری تسنیم -

مرکز بین‌المللی مطالعات زندان-

نسیم مهر، حمایت از خانواده زندانیان، -۱۳۸۸

- کمپین نجات کودکان مادران در بند

- سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۸۹

- گالاگر و مانبی، کاهش سلامت روانی کودکان زندانی

- اعلامیه حقوق کودک / ژنو ۱۹۲۴/۱۳۰۳

- اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹/۱۳۳۸

- کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و تاریخ لازم الاجرا شدن آن،

۲۹، ۹، ۱۹۹۰

- کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶

- پیمان بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ۱۹۶۶

آسیب‌هایی که زندان بر نوزادان و

کودکان وارد می‌آورد

گفت‌وگو با حامد فرمند



علی‌اصغر فریدی

مدرسه و حتی در سال‌های گذشته تا سنین ۱۰ و ۱۱ سالگی در زندان بوده‌اند.

در حال حاضر اما فکر می‌کنم کودکان حداکثر تا سن پنج و یا شش سالگی باید در زندان بمانند و کودکانی که اکنون به همراه مادرانشان در زندان به سر می‌برند، نهایتاً زیر سن مدرسه هستند.

بودن در زندان برای هر کدام از این کودکان و هر گروه سنی خاصی از آنها آثار مخرب خودش را به همراه دارد، به عنوان مثال، کودکانی که تازه به دنیا می‌آیند، تا چند ماه اول، سیستم ایمنی بدن آنها هنوز توانایی لازم برای حفاظت از کودک را ندارد، بنابراین به دلیل آلوده بودن محیط زندان، این کودکان در معرض خطر و آسیب‌های جدی جسمی قرار می‌گیرند.

محیط زندان نه تنها به گونه‌ای نیست که برای حفاظت از کودکان ساخته شده باشد، بلکه حتی به دلیل بی‌توجهی عمدی و سیستماتیک حکومت در تأمین بهداشت و نیازهای اساسی و عدم برخورداری از زندانیان از امکانات بهداشتی، برای بزرگسالان هم محیط مناسبی نیست و آنها نیز در معرض آسیب‌های جدی و بیماری‌های خطرناک قرار دارند.

همچنین کودکان نزدیک به سن مدرسه، دارای شرایط ویژه‌ای هستند، آنها در سنی هستند که نیازمند مجموعه‌ای از آموزش‌ها است، درست است که آموزش رسمی از شش یا هفت سالگی شروع می‌شود، اما آموزش‌هایی هم هست که قبل از آموزش رسمی و مدرسه است که کودک باید قبل از رفتن به مدرسه آن را بیاموزد، در این سن است که کودکانی زندانی همراه مادرانشان، به دلیل تأمین نشدن

نگهداری کودکان و نوزادان در زندان، برای هر کدام و هر گروه سنی خاصی از آنها، آثار مخرب خودش را به همراه دارد، به عنوان مثال، کودکانی که تازه به دنیا می‌آیند، تا چند ماه اول، سیستم ایمنی بدن آنها هنوز توانایی لازم برای حفاظت از کودک را ندارد، بنابراین به دلیل آلوده بودن محیط زندان، این کودکان در معرض خطر و آسیب‌های جدی جسمی قرار می‌گیرند. محیط زندان نه تنها به گونه‌ای نیست که برای حفاظت از کودکان ساخته شده باشد، بلکه حتی به دلیل بی‌توجهی عمدی و سیستماتیک حکومت در تأمین بهداشت و نیازهای اساسی و عدم برخورداری از زندانیان از امکانات بهداشتی، برای بزرگسالان هم محیط مناسبی نیست و آنها نیز در معرض آسیب‌های جدی و بیماری‌های خطرناک قرار دارند.

برای بررسی وضعیت نوزادان و کودکانی که همراه مادرانشان در زندان نگهداری می‌شوند و آسیب‌های جسمی و روحی که می‌تواند گریبانگیر این کودکان بشود، مجله حقوق ما با حامد فرمند فعال حوزه کودک گفتگویی انجام داده که مشروح آن به شرح زیر است

زندان چه تاثیرهای منفی و مخربی می‌تواند بر وضعیت روحی و جسمی کودکانی که همراه مادرانشان در زندان هستند، بگذارد؟

متأسفانه باید بگویم که بنابه شرایط قانونی، نه تنها کودکان بلکه عملاً نوزادانی هم که در مرحله جنینی هستند به همراه مادر وارد زندان می‌شوند و پس از تولد در زندان بعضی از آنها به نسبت مدت زمانی که مادر باید در زندان بماند، برخی از آنها تا نزدیک به سن

مجموعه‌ای از نیازهای اصلی و اساسی، رشد مغزی‌شان نمی‌تواند تکمیل بشود و دچار آسیب‌های طولانی مدت می‌شود، به ویژه هنگامی که برای زمانی طولانی در محیط زندان نگهداری شده باشند و به خصوص اگر پس از این زمان به جای رفتن به محیط خانواده و برخورداری از حمایت‌های عاطفی و خانودگی، به بهزیستی که خود باز یک محیط آسیب‌زای دیگر است، تحویل داده می‌شوند. از طرفی دیگر، محیط زندان به دلیل تراکم بالای جمعیت و ازدحام زیاد و شرایط نامناسب روحی محبوسین، محیطی پر تنش و استرس‌زا است که به کرات در آن دعوا و برخوردهای خشن میان افراد صورت می‌گیرد، که این تنش‌ها باعث وارد شدن آسیب‌های مختلفی هم از لحاظ روحی و روانی هم از لحاظ رفتاری رفتاری وارد می‌کند و از طرفی الگوهای آسیب‌زای محیط زندان می‌تواند اثرات مخربی بر رفتار و روان کودک برجایی بگذارد.

همچنین گزارشاتی وجود دارد، مبنی بر بدرفتاری و خود والد و مشخصا مادر کودک، همبندی‌های مادر، کارکنان و گارد زندان، که بنابه این گزارشات، این بدرفتاری‌ها شامل خشونت کلامی و توهین و نقض کرامت انسانی کودک، تنبیه بدنی و متاسفانه آزار جنسی بوده که هرکدام از این‌ها به شکلی باعث وارد شدن آسیب جدی به جسم و روان کودک در زمان حال و در آینده خواهد شد.

کسانی که مسائل مربوط به اطفال و کودکان محبوس به همراه مادران را دنبال می‌کنند، گزارشاتی را منتشر کرده‌اند از پرخاشگری و انزواطلبی این کودکان در سال‌های پس از زندان این کودکان، آنها همچنین به دلیل شرایطی که تحمل کرده‌اند از آسیب‌های روحی و روانی همچون تنفر از خود و شرم رنج می‌برند.

نکته دیگری که باید یادآوری کنم، تغذیه این کودکان است، چیزی که برای سلامتی جسمی و مغزی کودکان بسیار حائز اهمیت است و همانگونه که می‌دانیم، در اغلب مواقع کودکان محبوس در زندان به همراه مادرانشان از آن محروم هستند. این کودکان از تغذیه مناسب همانند میوه و سبزیجات و غذاهای مغذی و و کافی، با کیفیت خوب که برای رشد کامل آنها بسیار ضروری است، به‌بهره هستند، چون بخشی از تامین نیازهای کودک بر عهده مادر زندانی است و همانگونه که ما می‌دانیم، اغلب زندانیان، قربانیان فقر و نابرابری هستند و به همین دلیل به صورت جدی از تامین نیازها و تامین تغذیه کودکانشان عاجز هستند.

نکته دیگر اینکه همانطور که می‌دانیم بسیاری از زندانیان، قربانیان مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد هستند که به جای مداخله حامیانه و کمک گرفتن، سر از زندان در می‌آورند و در زندان هم نه تنها حمایت لازم و کافی از آنها صورت نمی‌گیرد، بلکه برعکس به نوعی با تنبیهات جدی مواجه می‌شوند و بعضی از این کودکان با

اعتیاد به دنیا می‌آیند که متاسفانه به جای دریافت درمان، به نوعی رها می‌شوند.

آیا وضعیت تحصیل این کودکان در زندان به چه صورتی است؟
در مورد تحصیل هم همانطور که قبلا اشاره کردم، حداقل در حال حاضر، ما گزارشی نداریم که کودکان در سن تحصیل، به همراه مارانشان در زندان باشند. هرچند تا سه سال پیش، بودند کودکان در سنین مدرسه، در زندان همراه مادرانشان نگهداری می‌شدند، البته اگرچه ما گزارشی نداریم که در حال حاضر این کودکان در زندان باشند اما چندان اطمینانی وجود ندارد که واقعا وجود نداشته باشند و چنین کودکانی در هیچ زندانی نگهداری نشود.

اما طبق آئین‌نامه اجرایی جدید سازمان زندان‌ها، زندان‌ها موظف هستند که حتما نوزادان را تا دوسالگی یعنی زمان شیرخوارگی در زندان و کنار مادرانشان نگهدارد، پس از دوسال زندان‌ها مختار هستند که این کودکان را تا ۶ سالگی هم کودکان را در زندان نگهدارند و زندان هم این موضوع نگهداری پس از دوسالگی را به عهده شورایی گذاشته که عمده آنها مردان تشکیل می‌دهند که اغلب غیرمتخصص در امور تربیت و روانشناسی کودک هستند و تا کنون ما ندیده‌ایم که منافع عالی‌ه و نیازهای کودک را در نظر بگیرند.

در این مورد اما دو نکته بسیار مهم که کودکان بتوانند مسیر تحصیلی‌اشان را به خوبی طی کنند و افت تحصیلی و یا ترک تحصیل گریبانگیر آنها نشود، اول اینکه کودک پیش از شروع تحصیل رسمی در مدرسه، باید یک سری آموزش‌های پیش از مدرسه را طی کند و با آمادگی وارد دبستان بشود. این آموزش‌ها لزوما آموزش الفبا و این مسائل نیست و خوب تا جایی که ما می‌دانیم نه تنها چنین آموزش‌هایی که برای آمادگی دبستان لازم است در زندان وجود ندارد، بلکه طبق تحقیقات ما عملا هیچ برنامه آموزشی در زندان برای کودکان وجود ندارد، حتی وسایل ابتدایی بازی هم از سوی زندان در اختیار کودکان قرار نمی‌گیرد.

تنها امکانات کم و مستعملی هم اگر وجود دارد، توسط زندانیان سیاسی که از دانش بالاتری برخوردارند و دسترسی به امکانات بیشتری به نسبت سایر زندانیان عادی دارند و از لحاظ رسانه‌ای هم تا اندازه‌ای صدایشان شنیده می‌شود، تامین شده که برخی از این وسایل غیرقابل استفاده شده‌اند و یا تناسبی با سن و نیازهای کودک ندارد.

بنابراین این کودکان آموزش‌های لازم نمی‌بینند و احتمال اینکه نتوانند مراحل تحصیل را به خوبی طی کنند وجود دارد، اگرچه ما امکانات زیادی نداریم تا این مسئله را به صورت جدی دنبال کنیم و تحقیقات جدی هم در این زمینه انجام نشده، اما از لحاظ منطقی و

کودکانی که مدتی طولانی در زندان بوده و درو از اجتماع رشد کرده‌اند و یا آنهايي تمام دوارن کودکی خود را در زندان بوده‌اند، پس از ورود به جامعه با چه مشکلاتی روبرو هستند؟

همانطور که در پاسخ به سوال اول شما اشاره کردم، ما با یک مجموعه‌ای از آسیب‌های روانی، جسمی و رفتاری مواجه هستیم که در محیط زندان دامنگیر کودکان می‌شود و شرایط محیطی زندان امکان پایداری و ته‌نشین شدن چنین آسیب‌هایی را در کودکان بالاتر هم می‌برد.

همانطور که قبلا هم گفتم در مورد برخی از این کودکان گزارش‌هایی شده، مبنی بر یک سری اختلالات رفتاری شامل، پرخاشگری، انزواطلبی، عدم کنترل خشم، عدم توانایی در برقراری ارتباط با سایرین و شرکت در فعالیت‌های جمعی. برخی از آنها نشانه‌هایی از اختلال و اضطراب و تراما با خود دارند و برخی گرفتار کابوس‌های شبانه و شب ادراری هستند.

همچنین یکی دیگر از مشکلات این کودکان، موضوع آموزش و اختلال در مسیر آموزش آنها است که کودک دچار آسیب بلند مدت با اثرات فردی و اجتماعی که متاسفانه می‌تواند پایدار باشد. آسیب‌های جسمی هم یکی دیگر از مشکلاتی است که این کودکان به آن دچار می‌شوند و برخی از این بیمارها همانند بیماری‌های قلبی یا بیماری‌های عفونی و ناتوانی جسمانی، ممکن است به صورت طولانی مدت دامنگیر این کودکان بشود.

دانشی که ما داریم، این اتفاق می‌تواند بیفتد و چیز عجیبی نیست و ضمن اینکه بسیاری از این کودکان پس از زندان به سازمان بهزیستی به عنوان یک موسسه بزرگ نگهداری کودکان منتقل می‌شوند و در آنجا هم امکان حمایت تک به تک برایشان وجود ندارد، و از طرفی، در بهزیستی هم امکانات بهتری دریافت نمی‌کنند و عدم آموزش قبل از تحصیل رسمی برای این کودکان همچنان وجود دارد.

نکته مهم دیگر در این رابطه این است که در روند رشد مغزی کودک که سال‌های ابتدایی زندگی را زندان می‌گذرانند، اختلال ایجاد می‌شود و زندان در سال‌های اول زندگی باعث می‌شود که این کودکان توانمندی مغزی را از دست بدهند و در آینده بر تحصیل آنها تاثیر منفی بگذارد و کودک با یک آسیب جدی و جبران ناپذیر روبرو بشود.

چه راهکارهایی برای عدم سوءاستفاده جنسی از این کودکان اندیشیده شده و تا چه اندازه این راهکار اگر وجود دارد، می‌تواند و یا توانسته، موفق باشد و از این امر جلوگیری کند؟

ابتدا باید بگویم ساختار زندان‌ها نه تنها در ایران، بلکه در اغلب کشورهای دنیا، برای مردان بزرگسال طراحی شده، البته این بدان معنا نیست که برخی از مردان زندانی با مشکلات و سوءاستفاده جنسی روبرو نمی‌شود، اما بنابه گزارشات متعددی که وجود دارد، آسیب‌پذیری زنان و کودکان در این مورد بیشتر است و مکانیزم و شرایط محیطی برای سوءاستفاده جنسی در زندان برای زنان و کودکان بیشتر مهیا شده و کودکان به شدت در معرض چنین آسیبی قرار دارند.

از طرفی بر اساس تحقیقات ما نه تنها به این موضوع پرداخته نشده و راهکاری برای جلوگیری از سوءاستفاده جنسی از زنان و کودکان ارائه نشده، بلکه بنابه آنچه که ما اطلاع داریم، برخی از این کودکان در مقابل چشم سربازان و مسئولان زندان چنین آزاری را تجربه کرده‌اند. اینکه این اتفاق‌ها در جایی مثل زندان اتفاق می‌افتد که بیشتر مکان‌های آن مجهز به دوربین مداربسته است و کاملا تحت نظارت و کنترل است، نشان می‌دهد که عمده‌ی در این رابطه وجود دارد و با دست باز چنین اعمالی انجام می‌شود.

عوض اینکه قوانین حامیانه‌ای تصویب و اجرا بشود و مکانیزم‌هایی را تعریف بکند که آسیب‌ها و سوءاستفاده از کودکان زندانی را به حداقل کاهش و کنترل بیشتری را تضمین بکند، متاسفانه ما شاهد این هستیم که عملا فضایی عکس آن به وجود آمده و ما نه تنها هیچ گزارشی از کنترل و نظارت کافی در داخل زندان برای برخورد و مقابله با چنین شرایطی نمی‌بینیم بلکه متاسفانه گزارش‌های دقیقی از آزار و اذیت جنسی این کودکان در دست داریم.



زندان مادران؛ زندان کودکان

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته ضرورت حفظ پیوند مادر و کودک، حق کودک بر همراهی مادر، حق مادر بر تربیت و پرورش کودک بعنوان حقوق بنادین بشری شناسائی و مورد پذیرش قرار دارد و بر همین اساس این امکان فراهم شده است که کودکانی که از مادران زندانی متولد می‌شوند و یا مادرانشان در زندان هستند و امکان نگهداری آنها در خارج از محیط زندان به دلیل عدم پذیرش خانواده و یا وجود سایر ضرورت‌های روانی تشخیصی که به تأیید متخصصین روانشناسی و ... رسیده است، وجود ندارد، در زندان و در محیط‌های منفک از زندان عمومی توسط مادر نگهداری شوند.

اینها بخش‌هایی از سخنان مازیار طاطایی حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری است در رابطه با کودکان و نوزادانی که همراه مادرانشان که مرتکب جرمی شده‌اند و در زندان به سر می‌برند، در مصاحبه با مجله حقوق ما، مشروح این مصاحبه را در این زمینه در زیر بخوانید

چرا برخی از کودکان و نوزادان به همراه مادران‌شان که زندانی هستند، در زندان نگهداری می‌شوند؟

دلیل اصلی اینکه مادری که در حال سپری کردن محکومیت در زندان است، می‌تواند و یا باید کودک و یا نوزاد خود را همراه

داشته باشد، ضرورت زندگی کودک با والدین و خصوصاً مادر از یک طرف و حق بر مادر بودن و تربیت کودک از طرف دیگر که از جمله حقوق افراد از بدو تولد است و در اسناد حقوق بشری بر آن تأکید شده است.

از یک طرف تامین چنین حق زندگی با مادر و از طرف دیگر حفظ پیوند مادر و فرزند که مطابق نظر روانشناسان برای رشد مناسب و مطلوب کودک ضروری است و حفظ و تامین چنین پیوندی در اکثریت کشورهای دنیا مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است.

بنابراین این می‌توان حقوق کودک و مادر را که در اسناد حقوق بشری و مقررات داخلی بر آن تأکید شده است، منشاء اصلی چنین ضرورتی دانست.

اما نکته مهم و حائز اهمیت در این‌مورد شرایط و محیط نگهداری اینگونه کودکان و مادران آنها است. عدم تامین شرایط مناسب و محیط مطلوب برای نگهداری کودک و مادر زندانی، می‌تواند موجب نقض حقوق اولیه کودک شود. به همین دلیل، متخصصین امر اعم از جرم شناس، روانشناس و جامعه شناس بر این امر تأکید دارند که محل نگهداری مادر و کودک باید محیطی باشد که بتوانند بصورت دائم در کنار هم زندگی کنند. در اینگونه محیط‌ها باید مادر و کودک لاقلاً از

وضعیت آنها پس از خروج از زندان، اگر سرپرست آنها هنوز در زندان باشد، به چه صورت خواهد بود؟

به شرحی که در بالا گفته شد، بنا به تشخیص مددکاران زندان و تأیید شورای طبقه‌بندی زندان، کودک ممکن است تا ۶ سالگی که سن آغاز تحصیل و ورود به مدرسه است، ممکن است در زندان همراه مادر باشد. اما بعد از شش سالگی و چنانچه خانواده‌ای وجود نداشته باشد و یا خانواده از پذیرش کودک خودداری نماید، کودک به سازمان بهزیستی و یا موسسات

ابندائی‌ترین امکانات لازم رفاهی و تربیتی مناسب که در خارج از زندان می‌توانند و باید از آن برخوردار باشند، بهره‌مند گردند و رشد فردی و اجتماعی کودک به دلیل اینکه مادرش زندانی است نباید محدود گردد. متخصصین امر حتی تأکید دارند که پس از آزادی مادر از زندان اینگونه کودکان و مادر باید از حمایت‌های خاص برای بازپروری و رشد برخوردار گردند. بنابراین بطور خلاصه می‌توان گفت دلیل همراهی کودک با مادر زندانی، حفظ پیوند مادر فرزند و توأم با تامین شرایط روانی مناسب برای کودک است.

کودکان غیرمجرمی که همراه مادران زندانی‌شان در زندان نگهداری می‌شوند، بنابه کدام قانون باید در زندان باشند و آیا هیچ راه دیگری برای نگهداری آن‌ها در مراکز دیگری غیر از زندان وجود دارد؟

بدو لازم به تأکید است که مقررات حاکم، الزامی برای نگهداری کودک با مادر زندانی ایجاد نکرده است و بلکه این امر به اختیار مادر گذاشته شده است. بر همین اساس در بند الف از ماده ۱۵۸ آئین نامه اجرائی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور آمده است: "مادران زندانی می‌توانند فرزند شیرخوار خود را تا سن دو سالگی در مؤسسه نگهداری کنند. افزایش مدت مذکور تا سقف شش سال با نظر شورای طبقه‌بندی امکان‌پذیر است."

همچنین در بند ب همان ماده آمده است: "مددکاران اجتماعی مکلف‌اند با رعایت بند «الف» این ماده، ترتیب سپردن اطفال را به خانواده و در صورت عدم پذیرش خانواده، به بهزیستی یا مؤسسه‌های ذی صلاح فراهم سازند."

با توجه به مراتب، می‌توان اینگونه پاسخ داد که راه دیگری برای نگهداری فرزند مادر زندانی در خارج از زندان در مقررات پیش بینی شده است که اولین راهکار خانواده کودک است و راهکار دوم در صورت عدم پذیرش خانواده سپردن کودک به مراکز بهزیستی و موسسه‌هائی است که از طرف سازمان بهزیستی برای این امر ذیصلاح شناخته شده‌اند.

بنابه قانون این کودکان باید تا چه سنی در زندان بمانند؟



ذیصلاح برای این امر سپرده خواهد شد.

وضعیت تحصیلی این کودکان به چه صورت باید باشد؟

بدواً لازم به تاکید است که مطابق اصل ۳۰ قانون اساسی تحصیل رایگان از حقوق آحاد ملت است که دولت ملزم به تامین و اجرای آن است و چنین کودکانی نیز از این امر مستثنی نیستند و سازمان زندانها به نمایندگی از دولت برای کودکان زیر شش سال و سازمان بهزیستی برای کودکان بالای شش سال ملزم به تامین و ایجاد شرایط تحصیل رایگان هستند. اما، اینکه مقررات حداکثر سن نگهداری کودک در زندان را شش سال تعیین کرده است عملاً به این مفهوم است که با آغاز سن تحصیل، کودک از زندان خارج خواهد شد.

در اینصورت، وضعیت تحصیلی چنین کودکی با بهره‌مندی از حق موضوع اصل ۳۰ قانون اساسی، بر عهده‌ی خانواده است که سرپرستی کودک را مورد پذیرش قرار داده‌اند و در غیاب چنین خانواده‌ای با سپرده شدن کودک به بهزیستی و یا موسسات واجد صلاحیت، تامین شرایط تحصیل بر عهده سازمان و یا موسسه مربوطه خواهد بود.

اما تا قبل از خروج کودک از زندان و ترک مادر، در ایامی که کودک همراه مادر در زندان است، مطابق تبصره ذیل ماده ۱۵۸ آئین نامه فوق، رئیس زندان ملزم است با همکاری سازمان‌های ذی‌صلاح، تمهیدات لازم را برای دایر کردن مهد کودک در مؤسسه فراهم می‌کند تا اطفال ۲ تا ۶ سال موضوع بند «الف» با رضایت مادر یا در صورت اقتضای مصلحت طفل در آنجا تحت آموزش متناسب قرار گیرند".

بنابراین، وظیفه تامین تسهیلات و امکانات آموزشی و تربیتی تا پیش از خروج کودک از زندان بر عهده سازمان زندانها است که توسط رئیس زندان باید اجرا گردد.

چه راهکارهایی برای عدم سوءاستفاده جنسی از این کودکان اندیشیده شده و تا چه اندازه این راهکار اگر وجود دارد، می‌تواند و یا توانسته، موفق باشد و از این امر جلوگیری کند؟

مقررات در خصوص این موضوع هیچ گونه تصریح و یا پیش‌بینی ندارد اما نکته اساسی برای جلوگیری از چنین سوء استفاده‌هایی تامین محل اختصاصی برای نگهداری کودک و مادر در زندان است که قاعدتاً باید از بندهای اصلی منفک و مجزا و محیط مناسبی برای رشد سالم کودک و حفظ حقوق توأم کودک و مادر باشند.

در برخی از زندان‌های ایران بندهائی با عنوان بند مادران ایجاد شده است که به تنهائی برای تامین سلامت روان کودک و مادر کافی نیست. در چنین بندهائی باید منافع کودک و آموزش اومان مادر و کودک مورد توجه باشد. زیرا، در بدایت امر آنچه مادر و کودک نیازمند آن هستند محیطی آرام توأم با برنامه‌های آموزشی است .

در اینگونه بندها باید از پرسنل آموزش دیده که با نیازهای اصلی و اولیه کودک و مادر آشنا باشند، استفاده کرد. وجود مددکار در زندان به تنهائی تامین کننده این ضرورت نیست. بسیاری از این کودکان اولین فرزندان مادرانشان هستند و این مادران با بسیاری از اقتضائات روانی و تربیتی کودک آشنا نیستند و بر همین اساس استفاده از نیروهای آموزش دیده می‌تواند علاوه بر تامین فضای مناسب رشد کودک و آموزش مادر، از بسیاری از سوء استفاده های جنسی از کودکان ممانعت به عمل آورد.

آیا علاوه بر ایران، در سایر کشورهای دیگر هم در شرایطی خاص، کودکان را همراه مادرانشان در زندان نگه می‌دارند؟

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته ضرورت حفظ پیوند مادر و کودک، حق کودک بر همراهی مادر، حق مادر بر تربیت و پرورش کودک بعنوان حقوق بنادین بشری شناسائی و مورد پذیرش قرار دارد و بر همین اساس این امکان فراهم شده است که کودکانی که از مادران زندانی متولد می‌شوند و یا مادرانشان در زندان هستند و امکان نگهداری آنها در خارج از محیط زندان به دلیل عدم پذیرش خانواده و یا وجود سایر ضرورت‌های روانی تشخیصی که به تائید متخصصین روانشناسی و ... رسیده است، وجود ندارد، در زندان و در محیط‌های منفک از زندان عمومی توسط مادر نگهداری شوند.

مادرانی که مجبورند کودکانشان را با خود به

زندان ببرند

گفت‌وگو با معین خزائی

به او نیست یا پدر از خودش سلب مسئولیت کرده و هیچ بستگان دیگری وجود ندارد که بخواهد از طفل، نوزاد یا کودک نگهداری کند و یا اگر هم وجود دارد، اعتمادی به آنها نیست، در برخی موارد هم، با وجود پدر و یا بستگانی که بخواهند از کودک نگهداری کنند، مادر ترجیح می‌دهد که کودک را درون زندان نگهدارد چون فکر می‌کند که این احتمال وجود دارد که امنیت طفل نزد آنها تامین نیست و در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

در نتیجه برای مادرانی که محکوم به حبس می‌شوند، بحث نگهداری از کودک مسئله و چالش بسیار بزرگی است به ویژه برای کودکانی که مادرانشان بستگانی ندارند و یا اگر هم دارند، قابل اعتماد نیستند، پدر وجود ندارد و اگر هم هست، در کنار او امنیتی برای کودک متصور نیست، در نتیجه مادر مجبور است که طفل را به همراه خود در زندان ببرد و از او نگهداری بکند.

کودکان غیرمجرمی که همراه مادران زندانی‌اشان در زندان نگهداری می‌شوند، بنابه کدام قانون باید در زندان باشند و آیا هیچ راه دیگری برای نگهداری آن‌ها در مراکز دیگری غیر از زندان وجود دارد؟

قانون آئین دادرسی کیفری در ماده ۵۲۳ به صراحت اعلام می‌کند که اطفال تا سن ۲ سال را نباید از مادرانشان یعنی مادرانی که محکوم به حبس شده‌اند، جدا کرد، مگر اینکه مصلحت طفل اقتضا کند. در آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها هم در ماده ۱۵۸ در بحث

بحث نگهداری از کودکان مادرانی که دارای کودکان خردسال هستند و محکوم به حبس می‌شوند، چالش بسیار بزرگی است، به ویژه برای کودکانی که مادرانشان بستگانی ندارند و یا اگر هم دارند، قابل اعتماد نیستند، پدر وجود ندارد و اگر هم هست، در کنار او امنیتی برای کودک متصور نیست، در نتیجه مادر مجبور است که طفل را به همراه خود در زندان ببرد و از او نگهداری بکند.

برای بررسی موضوع نگهداری این کودکان در زندان، یا تحویل آنها به سازمان بهزیستی و یا بستگان متهم، مجله حقوق ما با معین خزائی حقوقدان مصاحبه‌ای انجام داده که مشروح این مصاحبه در زیر آمده است.

چرا برخی از کودکان و نوزادان به همراه مادران‌شان که زندانی هستند، در زندان نگهداری می‌شوند؟

یکی از دلایل اصلی این تصمیم این است که، بودن کودک در کنار مادر در زندان بهتر از این است که کودک در بیرون از زندان اما جدا از مادرش باشد. دلیل دیگر این است که حق و حقوق کودک اقتضا می‌کند که کودک به مادرش دسترسی داشته باشد و نمی‌شود این حق را از کودک سلب کرد

اما دلیل اصلی در واقع این است که قریب به اتفاق همه مواردی که کودکان به همراه مادرانشان در زندان به سر می‌برند به این دلیل است که سرپرست دیگری به جز مادر ندارند، یعنی یا پدر در قید حیات نیست، یا مشخص نیست کجاست و مفقودالثر است یا دسترسی

نگهداری زندانیان زن به صراحت به این نکته اشاره شده که مادران زندانی، یعنی زنانی که مادر هستند و فرزند شیرخوار تا دو سالگی دارند، می‌توانند فرزندشان را همراه خود در زندان نگه دارند.

در حقیقت براساس این دو قانون، یعنی ماده ۵۲۳ آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۵۸ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، مادران زندانی در صورتی که خودشان تمایل داشته باشند، می‌توانند کودک خردسال خود را در زندان همراه خودشان نگه دارند. البته منظور از تمایل این نیست که انتخاب نکنند، بلکه منظور این است که بستگان و شوهری که بتوانند با اطمینان خاطر و بدون ترس از امنیت کودک، فرزند خود را به او بسپارند وجود نداشته باشد و امنیت کودک را در این بینند که همراه خودشان در زندان باشد.

راه دیگری هم که قانون‌گذار پیش‌بینی کرده این است که در همان ماده ۵۲۳ دادرسی کیفری اشاره شد، اگر مصلحت طفل اقتضا بکند که کودک در زندان نباشد، اگر پدر یا بستگانی وجود داشته باشد، به ترتیب صلاحیتی که در قوانین ایران مورد توجه قرار گرفته، کودک به آنها سپرده می‌شود، در غیر اینصورت و اگر بستگانی وجود نداشته باشد، براساس قانون، سازمان بهزیستی موظف است که از کودک نگهداری کند و کودک در اختیار سازمان بهزیستی به عنوان نهاد مسئول در این زمینه قرار داده می‌شود.

البته در آئین‌نامه سازمان زندان‌ها در ماده ۱۵۸ اشاره شده که باید در زندان‌ها مهدکودک‌هایی ساخته و آماده بشود برای مادران زندانی و فرزندان‌شان یعنی کودکان ۲ تا ۶ سال که در زندان هستند، کودکان باید در این مهدکودک‌ها و در خارج از محیط زندان نگهداری بشوند. در عین حال مبنای قانونی ماده ۵۲۳ دادرسی کیفری و ماده ۱۵۸ آئین‌نامه زندان‌ها است و راه دیگری هم قانون‌گذار پیش‌بینی کرده، در اختیار گذاشتن کودک به سازمان بهزیستی است و ساخت و آماده‌سازی مهدکودک‌ها بحث دیگری است که اگر نیاز باشد به آن هم خواهیم پرداخت و در رابطه با آن صحبت خواهیم کرد.

بنابه قانون این کودکان باید تا چه سنی در زندان بمانند؟ وضعیت آنها پس از خروج از زندان، اگر سرپرست آنها هنوز در زندان باشد، به چه صورت خواهد بود؟

در پاسخ به این سوال باید بگویم که براساس قانون، یعنی ماده ۵۲۳ قانون آئین دادرسی کیفری، سن ۲ سال تمام، سنی است که تا آن زمان کودک می‌تواند در کنار مادرش در زندان باقی بماند، اما نکته اینجاست که تبصره الف ماده ۱۵۸ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها

اعلام کرده است، این مدت می‌تواند تا سن ۶ سالگی هم افزایش پیدا کند.

البته با نظر شورای طبقه‌بندی زندان که در همان آئین‌نامه اجرایی آمده، توضیح داده شده که سازوکار شورای طبقه‌بندی چیست و چگونه عمل می‌کند، در واقع علاوه سن زیر دو سالگی که قانون تعیین کرده و کودک باید در کنار مادرش باشد، بنابه نظر شورای طبقه‌بندی زندان کودک تا چهار سال دیگر یعنی سن شش سالگی می‌تواند در زندان و در کنار مادرش بماند، اما مسئله اصلی پس از خروج کودک از زندان است، وقتی که هنوز محکومیت مادر تمام نشده و باید در زندان بماند.

اگر زمان خروج کودک از زندان فرارسیده باشد و مادر باید همچنان در زندان باقی بماند، با این فرض که اگر در ابتدا سرپرستی برای کودک وجود نداشته، اما در این مدت سرپرستی پیدا شده برای نگهداری از کودک، مثلاً پدری که قبلاً مفقودالثر بوده یا خبری از او نبوده، پیدا بشود، یا پدر و مادر هر دو در حبس بوده‌اند و اکنون حبس پدر به اتمام رسیده و آزاد شده، و یا بستگانی پیدا شده‌اند و یا به هر دلیلی مثلاً مادر تصمیم بگیرد که کودک را به آنها بسپارد، در درجه اول کودک به بستگان سببی و نسبی سپرده می‌شود و در غیراینصورت سازمان بهزیستی موظف است که سرپرستی و نگهداری از کودک را بپذیرد.

قطعا این وضعیت برای کودکی که سال‌های ابتدایی زندگی را در زندان گذرانده و بعد از آن هم باید مادر همچنان در زندان بماند و خودش هم باید به بهزیستی برود، شرایط مناسبی نخواهد بود و مشکلات و چالش‌های فراوانی را برای کودک به همراه خواهد داشت. سپردن کودک به سازمان بهزیستی و یا بستگانی که اگر وجود داشته باشند و یا پیدا شده باشند، راهکاری قانونی است. در مورد سن هم نکته دیگری که ضروری است گفته شود، این است که گزارش‌هایی وجود دارد که حتی کودکانی در سنین ۷ یا ۸ سالگی هم در برخی از زندان‌ها به همراه مادرانشان در زندان بوده‌اند و دلیل آن هم این بوده که سازمان بهزیستی به دلایلی همچون عدم تخصیص بودجه و نداشتن شرایط مالی، از پذیرش این کودکان خودداری می‌کند و یا خیلی به سختی این کودکان را می‌پذیرد، یا اینکه سازوکار اداری پیچیده ای را پیشنهاد می‌دهد و یا در پاره‌ای از موارد کم‌کاری مدیران زندان‌ها و مددکاران، بی‌توجهی به وضعیت مادران و کودکان باعث می‌شود که برخی از کودکان تا سنین ۷ یا ۸ سالگی در زندان بمانند.



این در حالی اسیت که طبق قانون کودک نهایتاً تا شش سالگی مجاز است که در زندان به همراه مادرش باشد و تا همین سن هم به اندازه زیادی دچار آسیب‌های جدی روحی، روانی، پرورشی و آموزشی می‌شود و هر یک روزی که کودک بیشتر در زندان بماند آسیب‌های بیشتری بر او وارد خواهد شد.

وضعیت تحصیلی این کودکان به چه صورت باید باشد؟

تا سن دو سالگی که اساساً وضعیت تحصیلی نیاز نیست، پس از آن هم تا سن شش سالگی که بنابه قانون کودک تا این سن مجاز است که در زندان باشد، آموزش رسمی وجود ندارد، اما در این سن کودک به آموزش‌های پیش از دبستان نیاز دارد که در بند الف ماده ۱۵۸ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها تأکید شده که این کودکان باید به مهدکودک سپرده شوند و طبق این تبصره باید مهدکودک‌هایی برای این کودکان فراهم بشود تا کودکان در آنجا تحت آموزش و مراقبت قرار بگیرند. پس بنابه آنچه که قانون گفته، باید زندان‌هایی که مادران زندانی با کودکان خردسال‌شان در آنجا زندانی هستند، باید مهدکودک‌هایی را برای کودکان فراهم بکنند.

اما مسئله اساسی این است که با وجود اینکه قانون بحث مهیا کردن مهدکودک را برای این کودکان مطرح کرده، اما در عمل بسیاری از زندان‌هایی که مادران متهم و مکوم به حبس در آنجا هستند هنوز فاقد مهدکودک هستند و زندان‌هایی هم که ادعا می‌کنند دادرسی مهدکودک هستند، در واقع یک اطاق را در زندان جدا کرده و اسمش را گذاشته‌اند مهدکودک، مسلماً این چیزی نبوده که در قانون آمده و در واقع هیچ تأثیری در آموزش کودک ندارد.

آنچه مورد نظر است، باید براساس کنوانسیون جهانی حقوق کودک باشد و حق و حقوق کودک کاملاً رعایت بشود و باتوجه به سن کودک در یک مکان آموزشی مشخص قرار بگیرد به ویژه که شرایط این کودکان که در زندان رشد کرده‌اند با کودکان دیگر که در خارج از زندان هستند، کاملاً متفاوت است و این کودکان باید به انواع و اقسام وسایل آموزشی و سرگرمی دسترسی داشته باشند.

ساخت و آماده کردن یک اطاق در بیرون از بند مادران و معرفی آن به عنوان مهدکودک، آن چیزی نیست که بتواند برای کودک مفید واقع بشود و حقوق کودک را در این زمینه تأمین بکند. در بسیاری از موارد ما حتی گزارش‌هایی داشته‌ایم که کودکان به ویژه آنهایی که در سنین ۷ یا ۸ سالگی بوده‌اند، صبح از زندان خارج می‌شده برای اینکه به مدرسه برود و دوباره پس از پایان مدرسه دوباره به زندان

بازمی‌گشته است، در صورتی که این مسئله و شرایط متفاوتی که کودک تجربه می‌کند در مقایسه با همسالان خود به شدت بر روح و روان او تأثیر منفی برجایی می‌گذارد.

چه راهکارهایی برای عدم سوءاستفاده جنسی از این کودکان اندیشیده شده و تا چه اندازه این راهکار اگر وجود دارد، می‌تواند و یا توانسته، موفق باشد و از این امر جلوگیری کند؟

گزارش‌هایی که از وضعیت زندان‌ها منتشر می‌شود، صرف حضور کودکان در چنین فضایی به شدت آسیب‌زا است، ضمن اینکه به شدت حقوق کودکان را نقض می‌کند، اما مشکل اصلی اینجا است که اگرچه بر اساس قانون، بند زنان دارای فرزند خردسال باید از بند دیگر زنان جدا باشد، اما در این بند تفکیک جرایم صورت نمی‌گیرد و تمام زنان دارای کودکان خردسال به‌تاهمات متفاوت با هم در یک مکان و گاه‌ها در یک اطاق یا سلول بزرگ نگهداری می‌شوند و ممکن در این مکان، افرادی که جرائم خشن داشته باشند، افرادی که اعتیاد دارند، افرادی که جرائم خیلی سبک دارند، متهمین جرایم مالی و کسانی که به دلیل صدور چک بلامحل محکوم به حبس شده‌اند،



همگی در یک جا نگهداری شوند و این عدم تفکیک بر اثر جرایم، باعث می‌شود که علاوه بر اینکه مادران زندانی دچار فشار مضاعف می‌شوند و حقوقشان به عنوان زندانی نقض می‌شود، باعث می‌شود که کودکان هم در معرض خطرات بیشتری قرار بگیرند، به ویژه اینکه آن دسته از مادران زندانی که اعتیاد دارند، گاهی مواد مخدر مصرف می‌کنند، سیگار می‌کشند، خشونت‌هایی که آنجا ممکن است میان زندانیان جرایم خشن اتفاق بیفتد و مسائلی از این قبیل، باعث می‌شود که کودکان در معرض خطرات بیشتری قرار بدهد.

مشکل دیگری که وجود دارد این است که با توجه به شرایط متفاوت ازدحام و تراکم بندهای نگهداری زنان دارای کودکان خردسال، هرچه که تعداد زندانیان یک بند بیشتر باشد، امکان آسیب‌پذیری کودکان نیز بیشتر خواهد بود و آنها در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار خواهند گرفت.

نکته بعدی این است که برخی از مادران زندانی که بنابه دلایل فقر مالی در زندان هستند، خودشان به صورت داوطلبانه اجازه بدهند که حقوق کودکشان نقض بشود و دست به اقداماتی بزنند که برخلاف حقوق کودک به ویژه تمامیت جسمانی و روانی کودک باشد. مسلماً تلاش‌هایی هم اگر راستای جلوگیری از این امر در زندان‌های ایران صورت گرفته باشد ناکافی است. چون اولاً تفکیک‌پذیری بر اساس جرایم در بند مادران لحاظ نمی‌شود و از طرفی هم، هواخوری‌ها عموماً با دیگر زندانی‌ها مشترک است و این امکان وجود دارد که کودکان دیگر زندانی‌ها را ملاقات کنند و با آنها در تماس باشند، دیگر زندانی‌ها هم ممکن است به کودک دسترسی داشته باشند و بتوانند کودک را مورد آزار و اذیت جنسی، جسمی و کلامی قرار بدهند.

آیا علاوه بر ایران، در سایر کشورهای دیگر هم در شرایطی خاص، کودکان را همراه مادرانشان در زندان نگه می‌دارند؟

در حقیقت معضل مادران دارای فرزند خردسال در همه کشورها وجود دارد، منتها مسئله اینجاست که امروزه بسیاری از کشورها سعی می‌کنند که تا حد امکان حقوق کودک را در اولویت اصلی قرار بدهند، به این معنی که ما شاهد هستیم که در کشورهای اروپایی، و به ویژه کشورهای اسکندیناوی و اروپای غربی، اساساً مکان‌های دیگری را خارج از زندان آماده می‌کنند برای اینکه مادر و کودک بتوانند زمانی را در این فضا با هم بگذرانند.

ضمن اینکه آنچه در این کشورها به عنوان زنداتعریف شده است، اساساً متفاوت است و سعی شده که مادران زندانی در خانه‌هایی

حبس بشوند که خیلی شباهتی به آنچه ما به عنوان زندان در ایران می‌سناسیم ندارد. خانه‌هایی کاملاً متفاوت و محل‌هایی که برای کودکان کاملاً مناسب‌سازی شده و اثری از جرم و مجازات کیفری در آنجا دیدی نمی‌شود و بیشتر به یک پانسیون شبیه است و مادر و کودک برای مدتی در آنجا نگهداری می‌شوند.

در پایان لازم می‌دانم که به این نکته اشاره کنم که متأسفانه قوانین ایران به ویژه در بحث کیفری، هیچ‌گونه تفکیکی میان مادران متهم

زمانی که فرزند خردسال دارند قائل نشده و همه را به یک مجازات محکوم می‌کند. یعنی اگر یک مرد جوان مجرد، یک جرمی را مرتکب بشود و زنی هم که دارای فرزند خردسال است و کسی هم نیست که از فرزند او نگهداری کند، همان جرم را مرتکب بشود، متأسفانه مجازاتی که دادگاه اعمال می‌کند برای هر دو فرد یکسان خواهد بود. در حالی که نباید اینگونه باشد، ضمن اینکه امروزه می‌شود مجازات‌های جایگزین را برای مادران دارای کودکان خردسال که متهم به ارتکاب

جرم هستند اعمال کرد، از جمله حبس خانگی یا مجازات‌های جایگزین دیگر. امروزه نیاز است که قوانین کیفری به شکلی پویا دربیایند و دادگاه‌ها هم به شکلی پویا عمل کنند و شرایط متهم به ویژه مادران دارای اطفال و کودکان خردسال را که متهم به ارتکاب جرم هستند در نظر بگیرند.

کودکانی که به تاوان مجرم بودن مادر در زندان هستند



علی اصغر فریدی

ناگزیر است.

برخی از کارشناسان حوزه کودک و مددیاران اجتماعی معتقدند، کودکان و نوزادانی که همراه مادرانشان باید در زندان به سر ببرند، در محیطی رشد می‌کنند که دور از اجتماع است و اطرافشان را تنها کسانی گرفته‌اند که جرایم مختلفی را مرتکب شده‌اند و این کودکان که برخی از آنها در سن یادگیری هستند، در محیطی و با افرادی زندگی می‌کنند که الگوهای مناسبی برای پرورش و یادگیری نیستند. برخی دیگر اما معتقدند، تا زمانی که قانون به گونه‌ای است که صدور حکم برای زن‌هایی که فرزندان خردسال دارند و یا حامله هستند و کودک آنها باید در زندان متولد بشود، هیچ انعطافی ندارد و هیچ فرقی در صدور حکم بین آنها و سایر مجرمین وجود ندارد، بودن کودکان و نوزادان با مادرانشان در زندان بهتر از دوری آنها از همدیگر خواهد بود.

آنها معتقدند هرچند حضور کودکان در زندان، آسیب‌هایی را برای کودکان و نوزادان به همراه دارد، جدا کردن این کودکان از مادران‌شان نیز به این سادگی نیست و آسیب‌هایی برای مادر و فرزند به همراه دارد.

بنابه آئین‌نامه تفکیک زندانی‌ها، زندانی‌های جرائم مالی، کیفری، امنیتی، سرقتی، قتل باید از همدگر جدا و دربندهای مختص به خودشان زندانی می‌شوند، اما به گفته مقامات زندان و دستگاه قضایی ایران، در رابطه با مادران همراه با فرزند، برای امنیت بیشتر روحی و روانی فرزندان‌شان، هر جرمی که مرتکب شده باشند در «بند

مادران» نگه‌داری می‌شوند. که بنابه گفته برخی از کارشناسان این موضوع اگرچه خیرخواهانه است اما می‌تواند باعث آسیب‌های جدی به این کودکان شود و آنها در زمانی که در سن یادگیری هستند، از افراد بزهکاری که در اطرافشان هستند الگوبرداری کنند و از همان کودکی با بزه آشنا شوند و در آینده تاثیرات مخربی بر آنها بگذارد. آنها می‌گویند که مطالعات نشان می‌دهند کودکان زندان بیشتر از سایر هم‌سن و سال‌های خود در معرض بزهکاری قرار دارند و زودتر از سایر بزهکاران در این مسیر قرار می‌گیرند و بسیاری از آنها به جرم ارتکاب جرائم مختلف به زندان بازمی‌گردند.

علاوه بر مشکلات روحی و روانی که حدود یک سوم از کودکانی که همراه مادرانشان در زندان بوده‌اند، و به غیر از آثاری از مشکلات گفتاری نیز که در میان آنها مشاهده شده، در سیزده درصد از آنها نیز علائمی از کودک‌آزاری مشاهده. از طرفی، جدا از اینکه زندان به لحاظ تربیتی محیط مناسبی برای کودکان نیست، شیوع بیماری‌های جسمی در زندان‌ها به دلیل داشتن محیطی بسته بیشتر از دیگر معیط‌ها است و بیماری‌های عفونی مانند عفونت ادراری در میان کودکان زندان شایع است.

اگرچه قانون برای جرم‌های یکسان، مجازات‌های یکسان در نظر گرفته و هیچ فرقی میان مردان و زنان مجرم به ویژه زنان دارای نوزاد و کودک خردسال و زنان حامله قائل نشده، اما یکی از راه‌های کمک به کودکان و نوزادانی که مادرانشان مرتکب جرمی شده‌اند این است که برای مادران آنها مجازات‌های جایگزین زندان صادر شود تا این کودکان کمتر دچار آسیب بشوند.

بنابراین بهتر است قوه‌قضائیه چاره‌ای بیندیشد و برای جلوگیری از پیامدهای منفی زندگی کودکان در زندان در کنار مادرانشان به فکر مجازات‌های جایگزین باشد و صدور احکام و مجازاتی که آسیب‌های روحی و جسمی بسیاری برای کودکان در پی دارد جلوگیری کند، چون در حقیقت این مجازات ناشی از عمل کودک نیست بلکه به علت یک عامل بیرونی است و یک کودک تنها به دلیل داشتن یک مادر بزهکار باید تاوان گناهی را بپردازد که او مرتکب آن نشده است. کودکی که به دلیل گناه مادرش باید چند سال از سال‌های آغازین زندگی‌اش را در زندان سپری کند، به صورت مستقیم در معرض انواع آسیب‌های روحی، روانی و جسمی قرار می‌گیرد که برخی از این آسیب‌ها تا زمانی بسیار طولانی با او همراه خواهد بود، این کودکان هنگامی که در زندان و در فضای جدا از اجتماع مجبور به زندگی می‌شوند، به طور طبیعی فرآیند جامعه‌پذیر شدن و توانمند شدن‌شان دچار اختلال می‌شود و رشد عاطفی و جسمی آنها تحت شعاع قرار می‌گیرد.





ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سردبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net